

محمد ادیب، بنیان‌گذار اداره فرهنگ قاین

سید نورالله نصراللهی^۱

سال سیزدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۸

شماره صفحه: ۱۴۳-۱۷۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۷

چکیده

آموزش در هر جامعه‌ای چندین نقش کلیدی ایفا می‌کند از یک سو میراث فرهنگی را زنده نگه می‌دارد و سبب انتقال آن می‌شود از سوی دیگر می‌تواند عمل تغییر و تحول باشد. آموزش می‌تواند با گزینش و جهت دهی استعدادها برای آینده زمینه‌سازی کند. با توجه به نقش محوری آموزش، کسانی که در عرصه‌ی آموزشی و تحقق کارکردهای نظام آموزشی فعالیت می‌کنند، از جایگاه ویژه‌ای در انتقال و حفظ میراث فرهنگی و تغییرپذیری اجتماعی برخوردارند. مقاله پیش رو به بررسی نقش یکی از فعالان عرصه‌ی آموزش به نام محمد ادیب اختصاص دارد. او در نوجوانی در مدرسه علمیه جعفریه قاین به مطالعه علوم ادبی فارسی و عربی معمول زمان خود پرداخت و با تیزهوشی خاصی که داشت، خوشه‌چینی از خرمن دانش علمای این منطقه را سرلوحه کار خود قرار داد. وی با قریحه و استعدادی که داشت با همکاری دیگر معلمان، زمانی هدایت نسل جوان منطقه را آغاز کرد که تا آن زمان کسب علم و دانش فراگیر نشده بود. ادیب که از او به عنوان بنیان‌گذار اداره فرهنگ قاین یاد می‌شود، در زمان تصدی مسئولیت این اداره، با چالش بزرگی چون تخریب مدرسه طلاب روبه‌رو شد. وی از معدود کسانی بود که از طرف وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه به دریافت نشان درجه دو علمی نایل گردید. ثمره سال‌ها خدمات آموزشی

۱. عضو هیأت علمی و مربی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه بیرجند nnasrollahi@birjand.ac.ir

ادیب، اندیشمندانی فرهیخته بودند که هر کدام از آنها در جایگاه خود، نامی از خویش بر جای گذاشتند. این پژوهش می‌کوشد تا جایگاه محمد ادیب را در نظام آموزش و پرورش قاین را مورد واکاوی قرار دهد.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش قاین، اداره فرهنگ قاین، محمد ادیب.

مقدمه

با توجه به نقش محوری آموزش در روند توسعه، فعالان عرصه‌ی فرهنگ و آموزش بالطبع در فرآیند توسعه‌ی جوامع از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. بررسی زندگی این افراد افزون بر فواید متعدد آن از جنبه‌ی مطالعات تاریخ فرهنگی می‌تواند در آشنایی آحاد جامعه بویژه مدیران فرهنگی با سبک مدیریت آنها حائز اهمیت باشد. محمد ادیب از جمله فعالان عرصه فرهنگ و آموزش است که بررسی حیات فرهنگی وی و ارزیابی نقش او در ترویج فرهنگ و آموزش فرزندان زادگاهش موضوع بحث نوشتار حاضر است. از آنجا که تاکنون تحقیق جامعی در خصوص معرفی محمد ادیب که بتواند مورد استناد محققان حوزه تعلیم و تربیت قرار بگیرد، انجام نشده است؛ لذا نگارنده بر آن شد که اولین گام را در این زمینه بردارد. باشد که مقبول جامعه‌ی علمی و فرهنگی قرار گیرد. در واقع، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که نقش و جایگاه خدمات آموزشی ادیب با تکیه بر زوایای زندگی علمی ایشان، در آموزش و پرورش قاین چگونه است؟

پیشینه خانوادگی

طبق مدارک و مستندات پرونده کارگزینی ادیب، موجود در اداره کل آموزش و پرورش خراسان جنوبی، وی در سال ۱۲۷۵ شمسی متولد شده است، لیکن در این خصوص اختلافاتی وجود دارد. برخی از منابع سال تولد وی را همین سال ۱۲۷۵ شمسی دانسته‌اند (رجبی، ۱۳۹۵؛ ناصح و میری، ۱۳۹۲: ۲۷۴-۲۷۵، ناصح، ۱۳۹۵: ۲۲۲، ۳۵۶-۳۵۷؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۳۵، ۲۵۰)، اما برخی منابع دیگر، به اشتباه تولد او را سال ۱۲۸۲ شمسی ذکر کرده‌اند (استاد محمد ادیب، ۱۳۸۲؛ رجبی،

۱۳۸۴، ۱۷۰؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۳۰۴؛ تاریخچه آموزش و پرورش ... (۱۳۹۳).

محمد ادیب فرزند اسماعیل بن علیرضا بن ابوطالب قاینی است. وی سومین فرزند از یک خانواده‌ی چهار نفری بود، ادیب یک خواهر و یک برادر^۱ بزرگتر از خود و یک خواهر کوچکتر از خود داشت. وی پدر خود را که نزد اهالی قاین به اسمعیل پادشاه^۲ مشهور بود، در سال ۱۳۱۴ شمسی از دست داد. تا جایی که نگارنده به یاد دارد، در خیابان امام خمینی و در ابتدای سمت راست کوچه آهنگران (کوچه مدرسه علمیه جعفریه کنونی)، درخت توت قطوری وجود داشت که به درخت توت اسمعیل پادشاه مشهور بود. ادیب در سال ۱۳۰۳ شمسی با دختر عمه‌اش به نام فضّه که دختر یکی از متدینین شهر قاین، مشهور به کربلایی علی‌اکبر پیش‌نماز بود، ازدواج کرد و حاصل این ازدواج دو فرزند، به نام‌های شیخ علی‌اکبر و شیخ علی‌رضا شد. شیخ علی‌اکبر (۱۳۰۵-۱۳۹۴ ش.) در داروخانه پسرخاله‌اش، موسوم به داروخانه بقراط^۳ به داروفروشی مشغول شد و شیخ علیرضا (۱۳۱۱-۱۳۶۷ ش.) دنباله کار پدر را گرفت و شغل شریف معلمی را برگزید. نگارنده در کلاس سوم دبستان پهلوی قاین، افتخار شاگردی ایشان را داشته است.

در رابطه با چگونگی انتخاب نام خانوادگی ادیب، نکته‌ای که شایان توجه است، آن است که با توجه به اظهارات شاگردان وی، او هیچ وقت اهل خودستایی نبوده و هرگز خود را ادیب و متخصص در علوم ادبی قلمداد نمی‌کرده است و از این رو نبوده که این نام خانوادگی (ادیب) را، برای خود برگزیده است. بحث انتخاب نام خانوادگی ادیب که خود او بارها بدان اشاره کرده، از زبان یکی از شاگردانش چنین است: «زمانی که مأمور اداره سجل برای اولین بار در سال ۱۳۰۸ شمسی به قاین می‌آید، ادیب به جهت شهرت میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری^۴ (۱۲۸۱-

۱. کربلایی علی که بعدها نام خانوادگی دادخواه را برای خود برگزید.

۲. نامبرده چون با یک تحکم خاصی صحبت می‌کرده، از این رو، به لقب پادشاه مشهور گردیده است.

۳. اولین داروخانه به سبک جدید در قاین است که در سال ۱۳۱۵ شمسی، توسط مرحوم حاج محمدحسن بقراط (۱۲۹۴-۱۳۷۲ ش.) تأسیس شد.

۴. لازم به ذکر است که ادیب نیشابوری لقب وی بوده نه نام خانوادگی او، زیرا اولین سال اجباری شدن نام خانوادگی، ۱۳۰۴ شمسی است که یک سال قبل از فوت نامبرده است.

۱۳۴۴ق.) در محافل علمی آن روزگار خراسان و ارادتی که به وی داشت، تصمیم گرفت که این نام خانوادگی را برای خود برگزیند»^۱.

تحصیلات

ادیب تحصیلات مقدماتی تا عالییه را در زادگاه خود گذراند و حتی برای کسب دانش، حتی از موطن خود بیرون نرفت. او در نوجوانی در مدرسه علمیه جعفریه قاین به تحصیل علوم ادبی فارسی و عربی معمول زمان خود پرداخت و با تیزهوشی خاصی که داشت، خوشه‌چینی از خرمن دانش علمای منطقه را سرلوحه کار خود قرار داد؛ چنان‌که دیگران در این باره گفته‌اند ادیب «با توجه به علاقه و استعدادی که داشت، از هوش و درک و فهم بسیار بالایی هم برخوردار بود» (استاد محمد ادیب، ۱۳۸۲؛ رجبی، ۱۳۸۴: ۱۷۰؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۳۰۵؛ رجبی، ۱۳۹۵). علی‌اصغر فاضلی (۱۲۸۵-۱۳۷۰ش.) یکی از معلمان هم‌دوره ادیب، فضل و کمال او را واقعاً قابل ستایش می‌داند (راشد محصل، ۱۳۸۸: ۱۴۶) و میرزا ذبیح‌الله ناصح از وی به عنوان «یکی از طلاب فاضل قاین» یاد می‌کند (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۱۶۴). در برخی منابع دیگر هم به این نکته اشاره شده که «از فضلا و علمای عصر خویش شد و درجه اجتهاد گرفت» (رجبی، ۱۳۹۸: ۲۳۵). نویسنده به این مطلب نپرداخته که ادیب از چه کسانی اجازه اجتهاد گرفته است.

ادیب با هوش و ذکاوتی که داشت، تحصیل در مدرسه علمیه جعفریه قاین را شروع کرد. از آنجا که در مدارس علمیه، بیشترین تأکید بر آموزش زبان عربی بود، وی «علاوه بر علوم فارسی، بر زبان عربی [نیز] تسلط کامل داشت» (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۷۰؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۳۰۴-۳۰۵؛ تاریخچه آموزش و پرورش ...، ۱۳۹۳؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۳۵-۲۳۶). یکی از معمرین^۲ از همسر ادیب نقل

۱. مصاحبه با سیدجواد مصطفوی (بازنشسته‌ی اداره دامپزشکی قاین)، متولد ۱۳۰۹ شمسی، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۲/۱۸. برخی منابع عکس نامبرده را در تصویر ۴ (اولین نفر ایستاده از چپ، ردیف آخر) آورده‌اند (راشد محصل، ۱۳۸۸: ۳۵۵، نقل در رجبی، ۱۳۹۸: ۲۴۰).

۲. مصاحبه با بی‌بی عصمت مظلوم‌زاده، متولد ۱۳۱۴ شمسی که خانه پدری‌اش جنب خانه ادیب بوده است، تاریخ مصاحبه

می‌کند، زمانی که باجناب بزرگ ادیب^۱ به کار طب سنتی اشتغال داشته، وی تنها یاریگر او در ترجمه کتب عربی طب سنتی-اسلامی به فارسی بوده است.

یکی از مهمترین ابعاد شخصیتی هر فرد، داشتن خطی زیباست که به عنوان یک شاخص مهم، برای افراد تأثیرات بسیار مثبتی از نظر جایگاه و شخصیت به‌دنبال دارد. در همین رابطه، برخی منابع نیز از مهارت ادیب در خط و خوشنویسی (تصویر ۱) یاد کرده‌اند: «در نوشتن انواع خط از مهارت به-سزایی برخوردار بود» (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۷۰؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۳۰۴-۳۰۵؛ تاریخچه آموزش و پرورش ...، ۱۳۹۳؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۳۵-۲۳۶). نکته قابل توجه در این‌باره آن است که وی در مدرسه علمیه جعفریه قاین، از محضر درس استاد خطی بهره‌نجمسته، بلکه خطاطی را به‌صورت خودآموز یاد گرفته است. در لابلای مطالب برخی منابع نیز به خط خوش ادیب اشاره شده است: «از ادیب دو جلد کتاب نفیس و بسیار خوش‌خط به یادگار مانده که متأسفانه به چاپ نرسیده است»^۲ (استاد محمد ادیب، ۱۳۸۲؛ رجبی، ۱۳۸۴: ۱۷۰؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۳۰۵؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۳۶).

در رابطه با چگونگی آموزش زبان فارسی و خط در مدرسه معصومیه بیرجند و در پی آن اشاره به مدرسه جعفریه قاین، نکته‌ای از زبان میرزا ذبیح‌الله ناصح قابل توجه است، وی می‌گوید: «در این مدرسه هیچ کتاب فارسی تدریس نمی‌شد و خط به کسی نمی‌آموختند. به این جهت اکثر آخوندها که فارغ‌التحصیل می‌شدند کم و بیش عربی می‌دانستند، اما فارسی نمی‌دانستند و خط نوشتن بلد نبودند، مگر کسانی که از خانواده علم بیرون آمده بودند و خط را از پدر به ارث برده بودند ... غیر از مدرسه معصومیه بیرجند، در مدرسه جعفریه قاین ... هر یک تعدادی طلبه با همان وضع بیرجند نگاهداری می‌شدند و علوم شرعی می‌آموختند» (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۶۵-۶۶).

۱. حاج شیخ غلامحسین حکیم (۱۲۶۱-۱۳۴۳ش). طبیبی حاذق و ماهر که بعدها نام خانوادگی طیبی که مرتبط با زمینه شغلی‌اش بود، برگزید. ضمناً فرزند بزرگ وی، در همین راستا، نام خانوادگی بقراط را انتخاب کرده است.
۲. متأسفانه بر اثر بی‌توجهی بازماندگان، اثری از دو کتاب فوق‌باقی نمانده است.

استادان و هم‌درسان

۱. استادان

در یادداشت‌های پراکنده‌ای که از ادیب برجای مانده - که برخی از آنها هم بسیار مخدوش است - ادیب از استادانی که در نزد آنها علوم ادبی و عربی را فراگرفته است، یاد می‌کند. دو نفر از استادان برجسته در مدرسه علمیه جعفریه قاین که بیشترین تأثیر را بر وی داشته‌اند عبارتند از:

۱-۱. آیت‌ا... سیدحسین امام^۱ (فقیه): سیدحسین امام فرزند شیخ‌العلماء سیدزکی‌الدین الحسینی در سال ۱۲۹۳ قمری در شهر قاین دیده به جهان گشود. وی از اوان جوانی نزد ابوی و اخوی خویش به فراگیری علوم دینی پرداخته و سپس در مدرسه علمیه جعفریه قاین تحصیلات خویش را ادامه داد و بعداً عازم نجف شد. وی پس از ده سال تحصیل در نجف، در سال ۱۳۳۲ [قمری] به قاین مراجعت نموده و در همین مدرسه به تدریس مشغول گردید و سرانجام در سال ۱۳۷۴ قمری در مشهد مقدس دار فانی را وداع نمود (رجبی، ۱۳۸۴: ۳۰۲؛ فاضل قاینی نجفی، ۱۳۸۶: ۸۵؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۲۴۱-۲۴۲؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۳۲۶) و در حرم رضوی مدفون گشت.

۱-۲. آیت‌ا... سیدذبیح‌الله حائری: وی در سال ۱۳۰۳ قمری در قاین متولد شد. او فرزند سیدحسین و نوه دختری مجتهد برجسته، سیدابوطالب قاینی بود. وی پس از طی مقدمات در حوزه علمیه قاین، به مشهد مقدس رفت و سطوح را در آنجا به انجام رسانید و سپس عازم نجف اشرف گردید و از محضر علمای آنجا تلمذ نمود و پس از آن به قاین مراجعت کرد. او از مدرسین مدرسه علمیه جعفریه قاین بود و شاگردانی تربیت نمود. ایشان در سال ۱۳۷۲ قمری در قاین درگذشت (فاضل قاینی نجفی، ۱۳۸۶: ۹۴؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۲۴۳) و در قبرستان شاهیک به خاک سپرده شد.

۲. هم‌درسان

زمانی که هم‌درسان ادیب، پس از طی کردن تحصیلات مقدماتی، برای تحصیل، راهی قم و نجف اشرف شدند، ادیب بیشتر اوقاتش را به مطالعه و دانش‌افزایی سپری می‌نمود. لذا بیشترین تأثیرپذیری ادیب از هم‌درسانش زمانی اتفاق افتاد که نامبردگان پس از اتمام تحصیلات عالی، با

۱. در اکثر محافل علمی به کرات ادیب عنوان می‌کرده که بیشترین تأثیرپذیری را از این استادش داشته است.

کوله‌باری از تجربه و دانش‌اندوزی، راهی زادگاه خود شدند و در مدرسه طلاب، کرسی‌های علمی به راه انداختند. در این میان هم‌درسان قبلی ادیب، به‌عنوان یک هم‌بحث ظاهر گشته و وی نهایت بهره را از آموخته‌ها و اندوخته‌های علمی آنان می‌برد. از این‌رو، برخی از هم‌درسان ادیب در مدرسه علمیه جعفریه قاین، که وی در پاره‌ای از یادداشت‌های خود، از آنان نام می‌برد، بدین قرار است:

۱-۲. آیت‌ا... سیدعلی آیتی: او در سال ۱۳۰۸ قمری در خانواده‌ای روحانی در شهر قاین متولد شد. پدرش سیدمحمدحسین مجتهد، صدراوعظین قاینات بود. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه علمیه جعفریه قاین به اتمام رساند و سپس عازم نجف اشرف گردید و مدت هفت سال در آنجا به فراگیری علوم دینی مشغول شد. پس از بازگشت به قاین به احیای حوزه علمیه پرداخت و هیئت علمی حوزه را راه‌اندازی کرد. وی سرانجام در سال ۱۳۶۳ شمسی در قاین رحلت نمود (رجبی، ۱۳۸۴: ۳۰۸؛ فاضل قاینی نجفی، ۱۳۸۶: ۱۴۲؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۲۴۰-۲۴۱) و در قبرستان شاهیک به خاک سپرده شد.

۲-۲. آیت‌ا... شیخ‌محمد فاضل قاینی نجفی: او در سال ۱۳۱۰ قمری در روستای خرمینج (فضل‌آباد) از توابع روستای گُرغند قاینات دیده به جهان گشود. پدرش شیخ عبدالکریم بنی‌اسدی است. وی تحصیلات مقدماتی را در نوغاب پسکوه نزد مرحوم آخوند ملاعبدالجواد گذراند و سپس در مدرسه علمیه جعفریه قاین مشغول به تحصیل شد و دروس سطح را فراگرفت. وی پس از آن به سبزواری تهران عزیمت نمود و سرانجام در نجف اشرف در مدرسه بزرگ آخوند خراسانی به تحصیل ادامه داد تا به درجه اجتهاد رسید. از ایشان بیش از ده اثر ارزشمند باقی مانده است. وی سرانجام در سال ۱۴۰۵ قمری در قم درگذشت (رجبی، ۱۳۸۴: ۳۰۰-۳۰۱؛ فاضل قاینی نجفی، ۱۳۸۶: ۲۱۴-۲۱۵؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۲۳۰-۲۳۱؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۳۲۹) و در قبرستان باغ‌بهشت مدفون گشت.

۳-۲. آیت‌ا... سیدمحمدرضا صامتی^۱ (مشهور به آقای سادات): وی در سال ۱۳۱۲ قمری در خانواده‌ای

۱. ایشان یکی از هم‌درسانی است که ادیب، بیشترین ارتباط تنگاتنگ درسی را با او داشته است. باید گفت جدای از هم-محلله‌ای بودن‌شان (محلّه بالا)، وی نیز قرابت خانوادگی با ادیب دارد. خواهر کوچک ادیب به‌نام معصومه، همسر برادر بزرگ آیت‌ا... صامتی (حاج سیدعبدالله شفیعی) بوده است.

مذهبی و متدین در شهر قاین چشم به جهان گشود. در هفت سالگی جهت فراگیری علوم دینی ابتدا به مکتب‌خانه رفت و سپس عازم مدرسه علمیه جعفریه قاین گردید و سطوح عالی را در شهر قاین به پایان رساند. بعد از آن برای ادامه تحصیل عازم نجف اشرف گشته و از آنجا به قم و سپس به قاین بازگشته و سرانجام در همین مدرسه به ترویج و تدریس احکام دینی پرداخت. وی در سال ۱۳۹۵ قمری رحلت کرد (رجبی، ۱۳۸۴: ۳۰۳؛ فاضل قاینی نجفی، ۱۳۸۶: ۲۹۵؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۲۴۰) و در قبرستان شاهیک قاین به خاک سپرده شد.

۲-۴. آیت‌ا... سیدعلی مهدوی الحسینی: او در سال ۱۳۱۴ قمری در شهر قاین متولد شد. پدرش سیدحسین از علمای برجسته قاین بود. وی پس از تحصیل مقدمات و سطوح در مدرسه علمیه جعفریه قاین، به قم مهاجرت کرد. سپس از آنجا به نجف اشرف رفت و پس از اتمام سطوح عالی، به زادگاهش بازگشت و به تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن در مدرسه علمیه جعفریه قاین پرداخت. وی در سال ۱۳۸۴ قمری مطابق با سال ۱۳۴۳ شمسی درگذشت و در قم [قبرستان نو] به خاک سپرده شد (فاضل قاینی نجفی، ۱۳۸۶: ۱۴۸؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۲۳۹).

۲-۵. آیت‌ا... سیدمعصوم قهستانی: وی در سال ۱۳۱۵ قمری در قاین چشم به جهان گشود. دوران تحصیل خود را ابتدا در محضر اساتید مدرسه علمیه جعفریه قاین گذراند و پس از آن در حوزه‌های علمیه مشهد، تهران و نجف اشرف به فراگیری علوم دینی پرداخت. پس از مراجعت به قاین، در همین مدرسه به تدریس علوم دینی پرداخت. از او ۲۵ نسخه خطی به یادگار مانده است. وی در سال ۱۳۵۳ شمسی در قاین رحلت نمود (رجبی، ۱۳۸۴: ۳۰۹؛ فاضل قاینی نجفی، ۱۳۸۶: ۳۳۵؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۲۳۳-۲۳۴؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۳۲۸) و در قبرستان فرخ‌آباد مدفون گشت.

مناصب معلمی

از آنجایی که روی آوردن ادیب به کار معلمی، ارتباط تنگاتنگی با دایر شدن مدرسه قاین دارد، لذا قبل از هر چیز به اقداماتی که در مسیر راه‌اندازی این مدرسه شد، اشاره کوتاهی می‌گردد. «گام‌های برداشته شده در سال ۱۲۹۶ خورشیدی با تأسیس دبستان [قاین]، در سال ۱۲۹۸ خورشیدی به

ثمر رسید. دبستان قاین با چند سال فراز و نشیب در منزل مرحوم جان میرزا پا گرفت. این مدرسه به لحاظ روحیه مردم به نام "معرفت" نام‌گذاری و به مدیریت نظام‌العلماء دشت‌بیاضی به حیات خود ادامه داد. این دبستان از بدو تأسیس چهار کلاسه بود» (تاریخچه آموزش و پرورش ...، ۱۳۹۳). برخی منابع هر چند به همین سال تأسیس دبستان اشاره کرده‌اند، اما متذکر شده‌اند که «تا سال ۱۳۱۵ [شمسی] زیر نظر معارف شوکتیه اداره می‌شد» (رجبی، ۱۳۹۸: ۲۶۲).

مدرسه قاین هر از گاهی بر اثر کوتاه‌فکری‌های آن زمان به تعطیلی کشیده می‌شد، تا این‌که میرزا ذبیح‌الله ناصح^۱ مأمور راه‌اندازی دوباره مدرسه شد و تا جایی که توانست سعی کرد که امر آموزش و تحصیل دانش‌آموزان در این منطقه، دچار رکود نشود. «ناصرح پس از اقامت چند ماهه در قاین و رایزنی با علماء و اطمینان‌بخشی که مدرسه تعارضی با مسائل شرعی نخواهد داشت، موفق به افتتاح دوباره مدرسه شد. استاد ذبیح‌الله ناصح متولد روستای چهکنند^۲ شهرستان بیرجند و فارغ‌التحصیل مدرسه شوکتیه بود (رجبی، ۱۳۹۵). ناصح در خاطراتش این‌گونه به قضیه اشاره می‌کند: «درخواست مردم قاین و بویژه محمدولی میرزا نوربخش رئیس تلگراف [خانه]، که از جمله سادات قاین بود، امیر و اطرافیان او را برآن داشت تا مأموری توانا و باسواد را برای پیش‌بردن و به‌دوران انداختن دبستان قاین اعزام دارد. بعد از مشورت‌های طولانی قرعه مأموریت قاین به‌نام من بیرون آمد و گفتند سه ماهه به قاین برو و دبستان را دایر کن و یک نفر از اهالی را برای آموزگاری آماده کن، هر وقت مدرسه به‌خوبی دایر شد، به بیرجند بروی گشت. یک نفر از طلاب فاضل قاین را به آموزگاری ترغیب نمودم. معلومات عربی و ادبی آن شخص که شیخ محمد [ادیب] نام داشت از من زیادتر بود، در مدت چهار ماه، یک دوره حساب و

۱. میرزا ذبیح‌الله ناصح متولد ۱۲۷۴ شمسی و در زمره ده نفر دانش‌آموخته دوره نخست مدرسه شوکتیه بیرجند بود. مدیریت دبیرستان شوکتیه و سپس تصدی امور دانشسرای مقدماتی پسران بیرجند و سایر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی را در کارنامه خود دارد. وی در سال ۱۳۴۵ شمسی در مشهد به دیار حق شتافت و در باغ رضوان مدفون گشت (ناصرح، ۱۳۹۵: ۱۲۰، ۱۰).

۲. روستای چهکنندوک است، نه چهکنند که در حال حاضر، جزو دهستان نهارجان بخش مود شهرستان سربیشه است.

مقدمات جغرافیا و تاریخ را به او آموختم» (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۱۶۴؛ نقل در رجبی، ۱۳۸۴: ۱۶۳؛ نقل در تاریخچه آموزش و پرورش ...، ۱۳۹۳؛ نقل در رجبی، ۱۳۹۵؛ نقل در رجبی، ۱۳۹۸: ۲۳۴).

باید به این نکته اشاره شود که خاطرات میرزا ذبیح‌الله ناصح برای اولین بار در کتاب جستاری در تاریخ، فرهنگ و آموزش نوین بیرجند به کوشش محمدرضا راشد محصل منتشر شده است و بقیه منابعی که پیرامون این موضوع، مطلبی نوشته‌اند، همگی به کتاب مزبور استناد کرده‌اند. در این اثر، از زبان میرزا ذبیح‌الله ناصح به این موضوع اشاره شده است که «معلومات عربی و ادبی آن شخص که شیخ محمد [ادیب] نام داشت از من زیادتر بود» (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۱۶۴)، اما در یک منبع به این مطلب در اثر فوق، به گونه‌ای دیگر نقل قول کرده است و آن این‌که «معلومات عربی و ادبی وی از بنده کمتر نبود». لذا عین نقل قول مزبور ارائه می‌گردد: «میرزا ذبیح‌الله ناصح در خاطراتش اشاره می‌کند که یکی از طلاب فاضل قاین موسوم به شیخ محمد (متولد سال ۱۲۷۵ شمسی) که بعدها نام خانوادگی ادیب را برگزید و "معلومات عربی و ادبی وی از بنده کمتر نبود"، به آموزگاری ترغیب نمودم» (ناصر، ۱۳۹۵: ۲۲۲، نقل از راشد محصل، ۱۳۸۲: ۱۶۴). متأسفانه همین نقل قول نادرست به منبع رجبی (۱۳۹۸: ۲۳۴)، راه یافته است.

در مورد دیگری که به کتاب جستاری در تاریخ، فرهنگ و آموزش نوین بیرجند به کوشش محمدرضا راشد محصل استناد شده، منبع استناد کننده از لفظ «جوان» برای محمد ادیب استفاده کرده است. باید به این نکته اشاره شود که منبع اصلی به هیچ عنوان لفظ «جوان» را به کار نبرده است؛ لذا به کار بردن لفظ جوان در این مقوله درست نیست؛ زیرا ناقل که میرزا ذبیح‌الله ناصح است، متولد سال ۱۲۷۴ شمسی است، در حالی که «محمد ادیب متولد ۱۲۷۵ شمسی» (ناصر و میری، ۱۳۹۲: ۲۷۴-۲۷۵) است و تنها یک سال شمسی با هم تفاوت سنی دارند. منبعی که به اثر فوق استناد کرده، بدین گونه اشاره می‌کند که «میرزا ذبیح‌الله ناصح یکی از طلاب جوان قاین موسوم به شیخ محمد که بعدها نام خانوادگی ادیب گرفت و در پیشبرد فرهنگ آنجا مؤثر افتاد را برای تدریس مقدمات دروس

ابتدایی آموزش داد و پس از چند ماه مراقبت، ادامه کار را به این جوان سپرد» (ناصر و میری، ۱۳۹۲: ۲۷۳، نقل از راشد محصل، ۱۳۸۲: ۱۶۴). سرانجام باید گفت با این فراز و نشیب‌های شغلی که ادیب را طی سال‌های متمادی درگیر کار تدریس داشت، بالاخره اولین دوره مسئولیت وی در سال ۱۳۱۵ شمسی شروع می‌شود (تصویر ۲).

ادیب هم‌زمان با اشتغال به کار معلمی در مدرسه معرفت، با مدرسه علمیه جعفریه قاین نیز در تدریس زبان عربی و فارسی همکاری تنگاتنگی داشت و این همکاری را تا زمان بازنشستگی ادامه داد. از این‌رو، باید گفت ایشان تنها معلمی بود که در آن زمان بدون کسوت روحانیت، در مدرسه طلاب قاین، به تدریس اشتغال داشت. «زمانی که یکی از همکارانش (نظام‌العلماء دشت‌بیاضی) از او پرسیده بود در مدرسه طلاب که آن‌چنان شهریه‌ای به شما پرداخت نمی‌شود، ادیب در جوابش گفته بود، مهم نیست، من از این طریق، زکات علم خود را پرداخت می‌کنم»^۱.

حامی و مشوق در تحصیل

ادیب علاوه بر حمایت همه‌جانبه از معلمان مرد، از معلمان زن نیز حمایت می‌نمود. چنان‌که اگر کسی به ادیب معرفی می‌شد، وی نهایت همکاری را با فرد به عمل می‌آورد. در این زمینه، یکی از معلمان قدیم قاین به نام فاطمه‌رباب مؤمنی در خاطراتش می‌گوید: «برادرم آقای "امیدوار" [ناتنی] که آموزگار بودند، منتقل قاین شدند و به توصیه‌ی مرحوم فرزانه^۲، من و مادرم به‌همراه برادرم به قاین آمدم. به‌واسطه آقای فرزانه، به مرحوم شیخ محمد ادیب معرفی شدم و در طول یک سال اقامت در قاین، به‌عنوان معلم سرخانه، به درس‌دادن مشغول شدم. پس از آن، من و مادرم به

۱. مصاحبه با سیدجواد مصطفوی، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۲/۱۸

۲. علامه سیدمحمد فرزانه (۱۲۷۳-۱۳۴۹ ش.). فرزند سیدعلی‌اکبر و برادر بزرگ آیت‌الله سیدحسن تهامی (۱۲۷۵-۱۳۴۴ ش.). در روستای سندادان (سیدان) بیرجند متولد گردید. وی علاوه بر استادی مسلم و چیره‌دست، ریاست فرهنگ و اوقاف بوشهر، شاهرود، مکران (سیستان و بلوچستان) و «ز اوایل سال ۱۳۲۱ تا سال ۱۳۳۲ شمسی، یعنی قریب یازده سال متوالی، عهده‌دار ریاست فرهنگ بیرجند بود» (ناصر، ۱۳۹۵: ۲۶۷، ۲۶۵).

بیرجند برگشتیم. از برگشتن مان به بیرجند مدتی نگذشته بود که مرحوم سرّی^۱ شاعر قاینی، قاصد شده بود و من را برای مرحوم افشاری^۲ خواستگاری کرد. از طرفی، مرحوم ادیب که ریاست اداره فرهنگ و معارف [قاین] را عهده‌دار بودند، پسرخاله^۳ مرحوم شوهرم می‌شدند. در آن زمان، قاین دو مدرسه داشت: نوریخس دخترانه (در آن مدت ۳۵ سال خدمت کردم) و پهلوی پسرانه و یک نمایندگی فرهنگ و معارف و اوقاف که مرحوم ادیب رئیس‌اش بود و مرحوم افشاری معاون» (گفت‌وگو با خانم فاطمه‌رباب مومنی، ۱۳۹۴).

باید گفت تمام هم و غم ادیب این بود که والدین را به هر شکلی شده ترغیب کند که فرزندان خود را به مدرسه بفرستند و در این راه، از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد. در آموزش و تحصیل دختران سعی‌ای وافر داشت، چنانچه از زبان ادیب نقل می‌کنند که به معلمان گفته بود، من دختر ندارم و الا همان کاری می‌کردم که آقای برهانی^۴ انجام داده است. «مرحوم برهانی مدرس مدرسه معرفت و به‌عنوان یکی از روحانیون پیشگام در ترویج و توسعه آموزش و پرورش نوین، هر سه دختر خویش را با حفظ حجاب و رعایت شؤونات اسلامی به مدرسه فرستاد و باعث تشویق امر آموزش دختران در قاین شد» (متولی حقیقی، ۱۳۸۴: ۶۰۸؛ رجبی، ۱۳۸۴: ۱۷۱؛ ناصح و میری، ۱۳۹۲: ۲۷۴).

اشتغال در دبستان و دبیرستان

ادیب سال‌های متمادی از عمرش را برای تعلیم و تربیت فرزندان این خطه سپری نمود و از امر آموزش و ارتباط با نسل جوان لذت می‌برد. از این‌رو است که برخی از همکاران وی، از او

۱. بدیع‌الزمان سرّی قاینی شاعر روشندل که در سال ۱۲۷۹ شمسی در قاین متولد و در سال ۱۳۳۵ شمسی درگذشت و در مقبره ظهیرالدوله تهران مدفون گشت.

۲. یوسف افشاری (۱۲۹۹-۱۳۷۲ش.)، معلمی که در سال ۱۳۳۷ شمسی مسؤولیت اداره فرهنگ قاین را برعهده داشت.

۳. محمد ادیب پسرخاله‌ی نامبرده نبوده، بلکه شوهرخاله وی است.

۴. حجه‌الاسلام شیخ حسین برهانی (۱۲۷۷-۱۳۶۱ش.)، فرزند ملایحی قاینی که سال‌ها مقام معلمی مدارس قاینات را عهده‌دار بود (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۷۱).

به‌عنوان یار و یاور و همدم دانش‌آموزان مستعد و غیرمستعد یاد می‌کنند. «کارکنان دبستان در آغاز، شیخ محمد ادیب به‌عنوان مدیر و معلم، میرزا محمدحسن ارجمند^۱ به‌عنوان ناظم و معلم و میرزا سعیدخان^۲ و جمال‌الدین عقیلی بیناباج^۳ به‌عنوان معلم از اولین پرسنل این مدرسه بودند» (رجبی، ۱۳۹۵). سایر معلمانی که با ادیب در دبستان شش کلاسه پسرانه قاین در پایان سال تحصیلی ۱۳۲۰-۱۳۲۱ شمسی همکاری می‌نمودند، عبارت بودند از: حسین برهانی، عباس جواهری، محمدرضا معماری، عبدالحسین سلیمانی، یوسف افشاری، محمدرضا رخشانی-مقدم، محمدحسین فوادی، ابوالفضل یغمایی، محمدحسن پناهنده، علی‌اکبر فخر، اسدالله حقیقی و علی کمیلی (ناصر و میری، ۱۳۹۲: ۲۷۴-۲۷۵؛ ناصر، ۱۳۹۵: ۳۵۶، نقل در رجبی، ۱۳۹۸: ۲۵۰). شایان ذکر است که فرزند کوچک ادیب به‌نام علیرضا ادیب، از جمله دانش‌آموزان این دبستان در همین سال تحصیلی بوده است (ناصر و میری، ۱۳۹۲: ۴۱۶؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۵۱، نقل از راشد محصل، ۱۳۸۸: ۴۱). باید اشاره کرد که در ابتدا کربلایی حسن قاسمی و سپس رمضان فتحی، از فراشان این دبستان بوده‌اند.^۴ تصویر ۳ محمد ادیب را به همراه سایر معلمان دبستان پهلوی نشان می‌دهد.

نخستین دبیرستان قاین موسوم به پهلوی در سال ۱۳۱۹ شمسی به مدیریت شیخ محمد ادیب تأسیس شد. در سال‌های نخست، این دبیرستان فقط در سه پایه اول (سیکل اول) دانش‌آموز می‌پذیرفت و پس از چندین سال، سیکل دوم نیز در آن ایجاد شد. در این دبیرستان، محمد ادیب دبیر فارسی و عربی بود و معلمانی چون عباس جواهری، محمدرضا معماری،

۱. نام او میرزا محمدحسین ارجمند است (ناصر، ۱۳۹۵: ۲۲۹، ۳۱۰).

۲. میرزا سعیدخان نوربخش فرزند محمدولی میرزای نوربخش (رئیس تلگرافخانه قاین)

۳. مشهور به نظام‌العلمای دشت‌بیاضی متولد روستای بیناباج، فرزند محمدباقر عقیلی از مجتهدین نیمبلوک که به‌دلیل دانش و آراستگی علمی، به نظام‌العلماء اشتهار داشت. وی در سن ۶۵ سالگی در مهرماه ۱۳۳۰ شمسی درگذشت و در امامزاده عبدالله کارشک مدفون گشت (رجبی، ۱۳۹۸: ۲۳۲-۲۳۳).

۴. مصاحبه با سیدجواد مصطفوی، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۲/۱۸

محمد رضا رخشانی مقدم، ابوالفضل یغمایی، محمد ملیح^۱ و علی کمیلی نیز در این دبیرستان به تدریس اشتغال داشتند (ناصح و میری، ۱۳۹۲: ۲۷۵؛ ناصح، ۱۳۹۵: ۳۵۷-۳۵۸، نقل در رجبی، ۱۳۹۸: ۲۵۴). شایان ذکر است که فرزند بزرگ ادیب به نام علی اکبر ادیب، از جمله دانش آموزان این دبیرستان در سال تحصیلی ۱۳۲۰-۱۳۲۱ شمسی بوده است (ناصح و میری، ۱۳۹۲: ۴۱۷، نقل در رجبی، ۱۳۹۸: ۲۵۵). تصویر ۴ محمد ادیب را به همراه سایر معلمان دبیرستان پهلوی نشان می دهد.

در منبع اولیه‌ای که این تصویر را - که مربوط به سال ۱۳۲۶ شمسی است - با ذکر اسامی منتشر کرده است، علاوه بر ذکر نام ادیب و سایر معلمانی که در ردیف جلو نشسته‌اند، اسامی تک تک دانش آموزان ردیف دوم و سوم نیز آمده است. نکته قابل توجه این که نام فرد ردیف آخر، به اشتباه سیدعلی نقی نقوی^۲ ذکر گردیده که در منبع اولیه از وی به عنوان «رئیس معارف و معلمان دبستان پهلوی قاین» (راشد محصل، ۱۳۸۸: ۳۵۵) یاد شده، اما این مطلب با تغییراتی تحت عنوان «رئیس معارف دبستان پهلوی» در اثری از رجبی (۱۳۹۸: ۲۴۱)، که بعداً انتشار یافته، راه پیدا کرده است. لذا باید اشاره کرد که سیدعلی نقی نقوی در آن زمان جزو سایر دانش آموزان دبیرستان بوده و در آن زمان، سن شناسنامه‌ای وی ۱۳ سال بوده و به علت جثه درشت و قد بلند او، به اشتباه از وی به عنوان یک مقام مسئول یاد گردیده است. ناگفته نماند که هیچ تشابه اسمی دیگری در آن زمان با این نام (سیدعلی نقی نقوی)، در قاین وجود نداشته است.

سمت‌ها و مسؤولیت‌های محمد ادیب، علاوه بر اشتغال به کار معلمی، به تفکیک سال‌های خدمت در جدول ذیل آمده است.

۱. سیدمحمد ملیح از تحصیل کرده‌های مدرسه متوسطه شوکتی، که در سال ۱۳۲۰ شمسی به سمت دبیری دبیرستان انتخاب و مشغول خدمت شد (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۹۳).

۲. سیدعلی نقی نقوی فرزند حاج سیدباقر نقوی، در سال ۱۳۱۳ [شمسی] در شهر قاین متولد شد. وی در دوره اول، نماینده مردم قاینات در مجلس شورای اسلامی شد و در سال ۱۳۷۸ [شمسی] در یک تصادف رانندگی، به دیار حق شتافت (رجبی، ۱۳۹۸: ۵۰۳-۵۰۴).

سمت‌های محمد ادیب در طول دوران خدمت

سال	نوع مسئولیت
۱۳۱۷-۱۳۱۵	مدیر دبستان و نماینده اداره فرهنگ قاین
۱۳۲۴-۱۳۲۰	مدیر دبستان، دبیرستان و نماینده اداره فرهنگ قاین
۱۳۲۸-۱۳۲۷	نماینده اداره فرهنگ قاین
۱۳۳۶-۱۳۳۵	نماینده اداره فرهنگ قاین

منبع: (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۶۴؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۶۲)

در یکی از منابع منتشر شده، اسامی و سال‌های مسئولیت رؤسای آموزش و پرورش قاینات در جدولی تدوین شده که در آن یکی از دوره‌های مسئولیت محمد ادیب را سه‌هواً سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۱ آورده است (تاریخچه آموزش و پرورش ...، ۱۳۹۳)، در حالی که برخی آثار که طبق جدول فوق به مسئولیت‌های ادیب اشاره کرده‌اند، دومین دوره مسئولیت وی را طی سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۰ دانسته‌اند. از این‌رو، باید متذکر شد که در ابتدای سال ۱۳۲۰ چندماهه محمدرضا رخشانی-مقدم، مسئولیت نمایندگی اداره فرهنگ قاین را عهده‌دار بوده است (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۶۴؛ تاریخچه آموزش و پرورش ...، ۱۳۹۳؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۶۲).

ادیب و چالش تخریب مدرسه طلاب

برخی از بزرگان و سفرنامه‌نویسانی که در گذشته از این منطقه دیدن کرده‌اند، به نحوی از انحاء به مدارس دینی این دیار که در حکم دانشگاه‌های امروزی بوده، اشاره‌ای هر چند اندک داشته‌اند. از جمله میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک (۱۲۴۳-۱۳۱۵ق.) که در سال ۱۲۹۴ قمری سفری به قاین داشته، در یادداشت‌هایی تحت عنوان روزنامه سفر قاین، وضع مدارس دینی این خطه را این‌گونه توصیف می‌کند: «در ولایت قاین سه مدرسه است. یکی در شهر قاین، یکی در بیرجند که این دو را رفته و از طلاب آنها احوالات پرسیده‌ام. دیگری در بلوک دُرُخَش است» (راشد محصل، ۱۳۸۸: ۲۴۰). مدرسه قاین، تحت عنوان مدرسه علمیه جعفریه، در ضلع جنوب غربی مسجد جامع قاین قرار داشت و همانند بسیاری از مدارس اولیه اسلامی که در کنار مساجد بنا می‌شدند، این مدرسه هم کارکرد آموزشی-دینی خود را در کنار مسجد حفظ کرده بود.

مدیریت مدارس آن زمان به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه^۱ واگذار شده بود و در قانون تشکیل آن وزارتخانه آمده بود که علاوه بر نظارت تامه بر مدارس دولتی، تولید مدارس اوقافی و دینی نیز به آن وزارتخانه سپرده شده است؛ لذا مدیران این نهاد در راستای قانون کشف حجاب رضاخانی که در سال ۱۳۱۴ شمسی اجرا شد، به بهانه مستهلک بودن بنای مدارس قدیمی، به تخریب مدارس دینی - که یکی از کانون‌های مبارزه با کشف حجاب بود - پرداختند. ساختار فیزیکی این مدارس به گونه‌ای بود که حجره‌های متعددی آن را احاطه کرده بود و علاوه بر فضای درسی طلاب، دارای کارکرد اقامتی نیز بود.

اولین دوره مسئولیت ادیب که در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۷ شمسی بود، وی را با چالش بزرگی روبه‌رو ساخت و آن تخریب تنها مدرسه قدیم قاین بود. در ابتدای این دوره (۱۳۱۵ ش.)، تلگرافی مبنی بر تخریب مدرسه علمیه جعفریه قاین به دست او رسید و وی را بسیار متأثر کرد، زیرا این مدرسه حق بزرگی بر گردن او داشت و وی خود را پرورش یافته‌ی آن مدرسه می‌دانست. از این رو در پاسخ تلگراف، رسماً انصراف خود را از تخریب مدرسه اعلام کرد. شایان ذکر است که برخی منابع به اشتباه سال تخریب مدرسه را، سال ۱۳۱۴ شمسی ذکر کرده‌اند (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۶۱). سرانجام تخریب مدرسه در نیمه اول فروردین سال ۱۳۱۶ شمسی به دستور مدیریت وقت اداره فرهنگ بیرجند (عطاءالله ناطقی^۲) صورت گرفت و چون کارگران قاینی، تمایلی برای تخریب تنها مدرسه علوم دینی قاین از خود نشان نمی‌دادند، به ناچار کارگرانی از منطقه شاخات و عربخانه بیرجند (هشت نفر) به قاین اعزام شدند و کار تخریب را دهروزه به پایان رساندند.^۳

چون تخریب مدرسه در زمان مدیریت فرد خاصی به نام عطاءالله ناطقی صورت گرفت، هر کدام از

۱. این وزارتخانه در سال ۱۳۱۷ شمسی، به وزارت فرهنگ تغییر نام داد.

۲. از وی هیچ گونه سوابقی در اداره کل آموزش و پرورش خراسان جنوبی یافت نشد، اما میرزا ذبیح‌الله ناصح در خاطراتش می‌نویسد: عطاءالله ناطقی از سال ۱۳۱۴ تا سال ۱۳۱۶ شمسی به ریاست فرهنگ و اوقاف مکران به مرکزیت بیرجند منصوب شد. وی به گمانم اصالتاً اهل اراک یا کاشان بود (ناصر، ۱۳۹۵: ۲۶۱، ۲۴۹).

۳. مصاحبه با محمدرضا ادیب (کارمند اداره ثبت اسناد و املاک قاین)، نوه محمد ادیب، متولد ۱۳۴۲ شمسی، تاریخ مصاحبه

معلم آن زمان که دست به قلم بودند و به خاطره‌نویسی روی آوردند، به نوعی از شخصیت ناطقی سخن رانده‌اند. علی‌اصغر فاضلی در خاطراتش، از عطاءالله ناطقی این‌گونه یاد می‌کند: «با این‌که معلمین مدارس شوکتی نظر خوبی به آقای ناطقی نداشتند، کارشان را به‌خوبی انجام نمی‌دادند» (راشد محصل، ۱۳۸۸: ۱۲۲). وی هم‌چنین در لابلای برخی از خاطراتش، ناطقی را از نظر طلاب این‌گونه توصیف می‌کند: «آقای ناطقی در بین طلاب و روحانیون وجهه ندارند» (همان: ۱۲۱).

پس از تخریب مدرسه، به‌صورت موقت کلاس‌های درسی طلاب به مسجد جامع قاین منتقل شد و چون ساخت مدرسه جدید، متکی به تأمین منابع مالی موقوفی بود، لذا فاصله زمان تخریب مدرسه تا ساخت کامل آن در مکان جدید، به درازا کشید. چنان‌که برخی منابع بدین‌گونه به موضوع پرداخته‌اند: «پس از تخریب مدرسه، محل بحث و تدریس را مسجد جامع قاین قرار دادند، تا سرانجام در سال ۱۳۳۰ [شمسی] اقدام به ساخت مدرسه‌ای در اراضی موقوفه واقع در کوچه آهنگران نمودند» (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۶۱). بدین جهت برخی طلاب بومی در موطن خود نمادند و برای تحصیلات مقدماتی، رنج سفر را بر خود هموار نموده و راهی مشهد و قم شدند.

پس از تخریب تنها مدرسه دینی قاین، طولی نکشید که در همان سال تخریب، اعتراضات از گوشه و کنار منطقه قاینات به گوش مقامات مسئول رسید. سرانجام مقامات بالادست، ریاست اداره فرهنگ و اوقاف مکران^۱ را جابه‌جا کردند، تا از بار اعتراضات مردمی را بکاهند. از این‌رو، میرزا ذبیح‌الله ناصح در این رابطه چنین اظهار می‌دارد: «آقای حکمت^۲ پس از بازدید از مدارس سیستان و بلوچستان [۱۳۱۶ش.]. در مراجعت به تهران، مرحوم سیدعلی تمدن^۳ معاون اداره فرهنگ و شهرستان‌ها و رئیس دفتر مخصوص وزیر فرهنگ را، به ریاست فرهنگ و اوقاف استان مکران اعزام کرد و آقای ناطقی را نیز به ریاست فرهنگ سبزوار که به تازگی با شهرستان اسفراین از فرهنگ

۱. در مهرماه ۱۳۱۴ [شمسی] از مجموع نمایندگی‌های فرهنگی بیرجند، قاینات، زابل، زاهدان و بلوچستان که تابع اداره معارف خراسان بودند، سازمان فرهنگی جدیدی به‌نام فرهنگ مکران به مرکزیت بیرجند تأسیس شد (رجبی، ۱۳۹۸: ۲۴۱).

۲. علی‌اصغر حکمت (۱۲۷۲-۱۳۵۹ش.). از اسفند ۱۳۱۳ تا تیر ۱۳۱۷ شمسی، وزیر معارف بود.

۳. وی از سال ۱۳۱۶-۱۳۱۸ شمسی رئیس فرهنگ و اوقاف مکران بوده است (ناصح، ۱۳۹۵: ۲۶۱، ۲۶۳). نامبرده اهل تربت حیدریه و مردی بود اداری و فاقد معلومات (راشد محصل، ۱۳۸۸: ۲۱۹، ۱۹۳).

خراسان مستقل شده بود، منصوب کرد» (ناصح، ۱۳۹۵: ۲۶۱).

بدون شک یکی از دلایل سفر علی اصغر حکمت شیرازی وزیر فرهنگ و اوقاف و صنایع مستظرفه به قاین، در بیست و یکم فروردین سال ۱۳۱۵ شمسی، یعنی یک سال قبل از تخریب مدرسه، جهت موجه جلوه دادن این اقدام بوده است؛ چنان که حکمت در شرح مسافرت‌های خود به این موضوع اشاره نموده است. وی پس از توصیف شهر قاین و مسجد جامع آن، درباره مدرسه قدیمه (مدرسه علمیه جعفریه قاین) می‌گوید: «مدرسه قدیمی را نیز دیدم که به کلی منطمس (محو و نابود) و ویران شده بود ... قرار گذاردم که در محل مدرسه قدیمه و روی همان پی و شالوده، بنای دبستان جدیدی گذارده شود و از اعتبارات دولت ساختمان شود» (رجبی، ۱۳۹۸: ۲۴۷، نقل از راشد محصل، ۱۳۸۸: ۲۹۷).

پس از گذشت یک سال از سفر قبلی، حکمت دوباره عازم بیرجند می‌شود که نتایج سفر قبلی خود را به ببیند. میرزا ذبیح‌الله ناصح در ضمن خاطراتش، از سفر دوم علی اصغر حکمت به بیرجند یاد کرده، این‌گونه می‌گوید: «آقای علی اصغر حکمت وزیر فرهنگ در اوایل سال ۱۳۱۶ شمسی برای بار دوم به همراه جمعی برای سرکشی از اوضاع فرهنگی خراسان، مکران و کرمان به بیرجند وارد شد ... و در قاین هم از ساختمان [در دست احداث] دبستان پهلوی و مدرسه نوربخش بازدید داشت» (ناصح، ۱۳۹۵: ۲۶۱).

ادیب که در این خصوص هیچ حامی و پشتیبانی نداشت، در مقابل فشارهای مقامات دولتی، تاب مقابله نیاورد و سرانجام مدرسه به‌طور غم‌انگیزی تخریب شد؛ چنان که اگر متولیان و علمای مدرسه علمیه جعفریه قاین، هم‌چون علمای مدرسه علمیه معصومیه بیرجند، در صحنه حضوری پر رنگ می‌داشتند و ادیب را تنها نمی‌گذاشتند، شاید هم اکنون، وضع مدرسه به گونه‌ای دیگر بود. نقل است که ادیب، تا پایان عمر در برخی محافل و مجالس، داستان تخریب مدرسه ورد زبانش بود، اما به جهت ترس از اذیت و آزار حکومت، نتوانست داستان تخریب مدرسه را به رشته تحریر درآورد.

در خصوص تخریب مدرسه علمیه معصومیه بیرجند، گفتنی است که با درایت و زیرکی متولی وقت این مدرسه، وزیر فرهنگ وقت نتوانست این مدرسه را تخریب کند. علی اصغر فاضلی در خاطراتش ضمن اشاره به سفر علی اصغر حکمت، وزیر فرهنگ و اوقاف در سال ۱۳۱۵ شمسی به

بیرجند و انتقاد از رئیس وقت فرهنگ و اوقاف بیرجند (عطاءالله ناطقی) می‌گوید: «اطلاع پیدا کردم جناب وزیر قصد دارند پس از بازدید از آیت‌الله حاج شیخ محمدهادی هادوی^۱، به مدرسه طلاب - مدرسه معصومیه - تشریف ببرند ... من استنباط کردم چون به آقای وزیر اطلاع داده‌اند آقای ناطقی در بین طلاب و روحانیون وجهه ندارند، این برنامه تنظیم شده است. در خدمت وزیر به مدرسه طلاب رفتیم ... بعد از چند دقیقه مرحوم حاج شیخ هادی هم تشریف آوردند ... در ضمن از آقای ناطقی رئیس فرهنگ تلویحاً تنقید [انتقاد] شد. آقای وزیر بلند شدند و با آقایان خداحافظی کردند و فرمودند میل دارم وضع اتاق‌ها را ببینم، به‌خصوص از قسمتی که تازه ساخته شده بازدید کنم که با توضیحات آقای آقاشیخ مهدی هادوی (آقازاده)، فرزند مرحوم آیت‌الله آقای هادوی که سرپرستی و اداره مدرسه را عهده‌دار بودند، این کار نیز انجام شد» (راشد محصل، ۱۳۸۸: ۱۲۰-۱۲۱). باید به این نکته قابل توجه اشاره کرد که به هر روشی شده، بهانه قدیمی و مستهلک بودن بنای مدرسه از وزیر گرفته شد و جای بسی شکر دارد مدرسه علمیه بیرجند، به سرنوشت مدرسه علمیه قاین دچار نشد.

در سال ۱۳۱۷ [شمسی] آقایان محمد صاحب‌جمع (نایب‌الحکومه قاین)، مدرسی^۲ (رئیس مالیه)، محمدولی میرزا [نوربخش] (رئیس تلگراف‌خانه)، سیدمصطفی شریعتی^۳ و نظام‌العلمای دشت-بیاضی اولین ساختمان مدرسه را در زمین مدرسه علمیه سابق، احداث کردند. این مدرسه بعد از دولتی‌شدن مدارس، دبستان پهلوی نامیده شد (رجبی، ۱۳۹۵).

۱. محمدهادی هادوی فرزند حاج ملاحسین بیرجندی در سال ۱۲۷۷ قمری در بیرجند متولد گردید. وی از جمله شاگردان زنده میرزای شیرازی اول بوده و سرانجام در تاریخ ۱۳۶۶ قمری در بیرجند به رحمت ایزدی پیوست (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۴۳-۳۴۴).

۲. مرتضی مدرسی [قبل از انتقال به فرهنگ، رئیس مالیه بود] فرزند آیتا... حاج شیخ علی مدرسی که لیسانسیه فیزیک داشت. وی پس از رئیس فرهنگ شاهرود، در سال‌های ۱۳۱۹-۱۳۲۰ [شمسی] به ریاست فرهنگ بیرجند نیز منصوب شد (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۹۲).

۳. پدر آیتا... سیدمحمد سعادت مصطفوی (۱۲۸۶-۱۳۷۳ش.) و جدّ پدری آیتا... سیدحسن سعادت مصطفوی و جدّ مادری آیتا... سیدمحمدتقی نقوی که در سال ۱۳۱۶ شمسی درگذشت و در قبرستان ابوالخیری قاین مدفون گشت.

معرفی برخی شاگردان برجسته

سبک شاگردپروری ادیب، زبانزد عام و خاص است. وی با منش و سیره معلمی خود، چنان در ذهن و روح شاگردانش تأثیر گذاشت که همین شاگردان بارها در خاطرات خود، از وی به شایستگی یاد کرده‌اند؛ شاگردانی که الگوپذیری از این سیره را، وجهه همت خود قرار داده و خود بعداً در جایگاه معلمانی شایسته ظاهر شدند. این در حالی است که ادیب در مدرسه طلاب قاین، کلاس‌های فنون تدریسی وجود نداشته که پشت سر بگذرانند، بلکه به‌صورت ذاتی، خوی و منش معلمی در فطرت او نهادینه شده بود. از این رو، ثمره سال‌ها خدمات ادیب، وجود برخی اندیشمندانی فرهیخته شد که هر کدام از آنها در جایگاه خود، سرآمد و نامدار شدند. برخی از دانش‌آموزان دبستان یا دبیرستان پهلوی قاین و طلاب دروس ادبی و عربی مدرسه علمیه جعفریه قاین که افتخار شاگردی ادیب را داشته‌اند، بدین قرارند:

۱. آیت‌ا... سیدمحمدعلی فقیه: ایشان در سال ۱۳۴۷ قمری در شهر قاین دیده به جهان گشود. وی فرزند آیت‌ا... سیدحسین امام بود و از محضر اساتید مدرسه علمیه جعفریه قاین بویژه ابوی گرامی‌اش بهره فراوان برد، چنانچه در ۲۳ سالگی به درجه اجتهاد رسید. سپس جهت ادامه تحصیل عازم قم گردید. او آثار قلمی متعددی دارد که برخی از آنها به چاپ نرسیده است. وی سرانجام در سال ۱۳۷۴ شمسی در قاین دار فانی را وداع نمود (رجبی، ۱۳۸۴: ۳۰۹-۳۱۰؛ فاضل قاینی نجفی، ۱۳۸۶: ۳۱۰-۳۱۱؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۲۴۲-۲۴۳؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۳۲۷) و در قبرستان فرخ‌آباد مدفون گشت.

۲. آیت‌الله سیدمحمدتقی نقوی: ایشان تحصیلات ابتدایی خود را در قاین گذرانده و از محضر ادیب کسب فیض نموده است. وی شرح حال خود را این‌گونه بیان می‌کند: «در تاریخ ۱۳۰۸ شمسی مطابق ۱۳۴۸ هجری [قمری] در شهر قاین در خانواده مذهبی به دنیا آمدم. مرحوم پدرم تاجر بازار و از مالکین مشهور شهر بود و مرحوم مادرم صبیحه حضرت حجه‌الاسلام آقای سیدمصطفی شریعتی بود که از علمای مشهور شهر بود. دوران ابتدایی را تا کلاس ششم در قاین به‌تمام رساندم و سپس از جهت علاقه‌ای که به تحصیل علوم دینی داشتم، وارد مدرسه طلاب شدم و مقدمات را تا سیوطی در قاین از علماء آن زمان فرا گرفتم و سپس برای ادامه تحصیل از قاین به مشهد مقدس

رفتم. برای ادامه تحصیل، از مشهد به قصد نجف اشرف خارج شدم و مدت یک‌سال و نیم در تهران و یک‌سال در قم برای مقدمات سفر به عراق معطل شدم و سرانجام به عراق رفتم و در نجف از دروس اساتید آن دیار بهره بردم و در سال ۱۳۳۹ شمسی به ایران آمدم» (رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۲۳۷، نقل از نقوی، ۱۳۸۶؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۳۲۸-۳۲۹). در یکی از منابع به این مورد اشاره شده که ایشان بعد از تحصیل دروس حوزه در قاین، عازم نجف اشرف شده و نزد اساتید آن سامان بهره برده است (فاضل قاینی نجفی، ۱۳۸۶: ۲۷۵). تاکنون هشت اثر از وی به چاپ رسیده است. وی در سال ۱۳۹۸ شمسی در تهران به دیار باقی شتافت و در قم، حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

۳. آیت‌الله سیدحسن سعادت مصطفوی: ایشان تا کلاس پنجم دبستان در قاین به تحصیل پرداخت و در دروس فارسی و عربی، از محضر ادیب بهره فراوان برد. زندگی‌نامه‌ی او به قلم خودشان بدین قرار است: «اینجانب سیدحسن سعادت مصطفوی فرزند حضرت آیت‌الله جامع‌المعقول و المنقول حاج سیدمحمد سعادت مصطفوی، در اول خردادماه ۱۳۱۵ شمسی در شهرستان قاین (خراسان جنوبی) متولد شدم. از شش سالگی به مکتب رفتم و بعضی کتاب‌های فارسی را فرا گرفتم و پس از یک‌سال و نیم، به مدرسه ابتدائی رفتم و چون معلوماتم در حدّ کلاس دوم بود، از همان ابتداء مرا به کلاس دوم بردند. تا کلاس پنجم را در قاین بودم. مرحوم والد [چون] بر اثر مبارزاتی که با خاندان علم داشتند و حوزه علمیه قاین را احیاء کردند و موقوفات آن را از تصرف خاندان علم بیرون آوردند، بر اثر مزاحمت‌های آنها، ناچار به مهاجرت به تهران شدند و ما در سال ۱۳۲۶ شمسی، به تهران منتقل شدیم. کلاس‌های ششم ابتدایی و دبیرستان را در تهران طی نمودم و در ضمن تحصیل در این دوران، نزد حضرت والد به تحصیل دروس مقدماتی حوزوی اشتغال داشتم (آیت‌الله سیدحسن مصطفوی، ۱۳۹۴). تاکنون از ایشان پنج کتاب و تعدادی مقالات در زمینه فلسفه و کلام اسلامی منتشر شده است.

۴. دکتر سیدعلیرضا مجتهدزاده: در سال ۱۳۰۱ شمسی در شهر قاین متولد شد و پدرش، سیدابوطالب را در کودکی از دست داد. او تحصیلات خود را در مدرسه علمیه جعفریه قاین شروع

کرد و بعد از مدتی راهی بیرجند شد و پس از اخذ مدرک ششم ابتدایی در مدارس کلاسیک، در همین شهر به استخدام دولت درآمد. وی بعد از مدتی جهت ادامه تحصیل به مشهد عزیمت نمود و دیپلم گرفت. بعد از دیپلم در دانشگاه تهران پذیرفته شد و با کسب درجه لیسانس ادبیات فارسی، در دبیرستان فردوسی مشهد به تدریس پرداخت. سپس مدرک دکترای زبان و ادبیات فارسی خود را از دانشگاه تهران دریافت کرد. موضوع رساله دوره دکترای وی، [گردآوری] دیوان حکیم نزاری قهستانی بود. وی پس از ۳۴ سال خدمت در دانشگاه فردوسی مشهد، در سال ۱۳۵۸ شمسی بازنشسته شد و سرانجام در سال ۱۳۷۲ شمسی به دیار باقی شتافت (رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۱۶۷-۱۶۸؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۳۳۱) و در حرم رضوی مدفون گشت.

۵. دکتر رضا زمردیان: ایشان در سال ۱۳۱۲ شمسی در شهر قاین دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و دوره اول متوسطه را در قاین گذراند. مدرک پنجم ادبی را در مشهد و مدرک ششم ادبی را در زمان سربازی در شیراز گرفت. در سال ۱۳۳۶ شمسی وارد دانشکده ادبیات مشهد شد و در سال ۱۳۳۹ با رتبه اول در رشته زبان و ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل گردید. در سال ۱۳۴۰ با استفاده از بورس تحصیلی عازم فرانسه شد و از دانشگاه سوربن پاریس دکترای زبان‌شناسی گرفت. ایشان در سال ۱۳۴۴ شمسی در دانشگاه مشهد در رشته زبان‌شناسی به‌عنوان استادیار پذیرفته شد و در سال ۱۳۵۲ شمسی به مرتبه دانشیاری ارتقاء یافت. او در سال ۱۳۸۲ شمسی با مرتبه استادی به افتخار بازنشستگی نایل آمد. تاکنون از وی ده‌ها کتاب و مقاله چاپ و منتشر شده است (رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۱۶۸-۱۶۹؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۳۳۲).

۶. دکتر سیدکاظم للهی: سیدکاظم للهی در سال ۱۳۲۰ شمسی در شهر قاین دیده به جهان گشود. وی تحصیلات ابتدایی و سیکل اول متوسطه را در قاین گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به دانشسرای مقدماتی بیرجند رفت و در کنکور ورودی این دانشسرا و در امتحان پایانی آن، موفق به احراز مقام اول شد. پس از کسب دیپلم متوسطه ریاضی در مشهد به دانشسرای عالی تهران راه یافت و در نهایت، برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و در رشته ریاضی دانشکده علوم دانشگاه پاریس موفق به اخذ دکترای ریاضی محض گردید. دکتر للهی طی سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ شمسی از پایه‌گذاران انجمن ریاضی ایران و دبیر انجمن ریاضی ایران بود. بعد از انقلاب اسلامی،

عضو هیأت برنامه‌ریزی و تدوین کتاب‌های درسی گردید (رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۱۶۵-۱۶۶؛ دکتر سیدکاظم اللهی، ۱۳۹۶؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۳۲۰-۳۲۱). وی علاوه بر انتشار حدود ده کتاب به زبان فارسی، تاکنون بیش از صد مقاله و گزارش پژوهشی به زبان‌های انگلیسی و فرانسه در ریاضی و کامپیوتر منتشر نموده است.

شیوه پرداخت حقوق

پرداخت حقوق معلمان، خصوصاً در زمان پهلوی اول به این دلیل که برخی از آنان، حقوق خود را از عواید اوقافی و برخی دیگر از بودجه دولت دریافت می‌کردند، با تنگناها و محدودیت‌های خاصی مواجه بود. این تنگناها به مرور زمان در زمان پهلوی دوم کاهش یافت. گفتنی است میزان حقوق دریافتی معلمان نسبت به مخارج معیشتی مردم آن روزگار، در حد بسیار مطلوبی بوده است. رئیس [اداره] فرهنگ در پایان هر ماه، حقوق هر یک از معلمان مدرسه معرفت را که از عایدات اوقافی و به صورت نقدی بود، در دستمالی می‌پیچید و با خود به مدرسه می‌برد و همان‌جا نقداً پرداخت می‌کرد. علاوه بر حقوق، به هر یک از کارکنان مدرسه، سالی سه خروار گندم هم داده می‌شد (رجبی، ۱۳۹۵). «میزان حقوق دریافتی شیخ محمد ادیب، زمانی که در مدرسه معرفت بود، در فروردین سال ۱۳۰۷ شمسی، ۲۰۰ قران بوده است» (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۶۳؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۳۰۲؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۴۰).

یکی از معلمان هم‌عصر ادیب به نام علی اصغر فاضلی در خاطرات خود، به ساختمان در دست احداث اداره فرهنگ قاین و هم‌چنین وضعیت حقوق معلمان این منطقه در سال ۱۳۱۶ شمسی اشاره کرده، می‌گوید: «شب منزل نماینده فرهنگ قاین [ادیب] که بودیم، آقای رئیس فرمودند از آقای فاضلی خواهش کرده‌ام با اختیار تمام، مدت کمی به قاین بیایند و به کارهای شما [ادیب] سروصورتی بدهند و شما هم به کار ساختمان برسید. صبح آقای رئیس [فرهنگ و اوقاف] حرکت کردند و آقای ادیب نماینده معارف و مدیر دبستان پهلوی که سرپرستی ساختمان را عهده‌دار بودند به محل کار خود و بنده هم به مدرسه دولتی رفتم. مدرسه قاین وضع مخصوصی داشت، معلمین از اوقاف مدرسه حقوق می‌گرفتند و فقط آقای ادیب بود که از بودجه دولت شهریه دریافت می‌داشت.

از اول فروردین هم کسی به آنها [معلمان] حقوقی نداده بود. از آن طرف، اداره فرهنگ استان به-جای این که حقوق معلمان را حواله کند، دبیر ورزش سیار و دبیر سرود را مأمور قاین کرد و آقای مهراں رئیس دبیرستان را که رهبر پیشاهنگی استان بودند، مأموریت دادند که به قاین بیایند. این سه نفر به مدرسه آمدند. وقتی از مأموریت آقایان مستحضر شدم، با هم رفتیم سر ساختمان، تا هم آقایان ساختمان مدرسه را ببینند و هم جریان نیامدن معلمان را به آقای ادیب بگویم. آقای ادیب فرمودند قدم آقایان به روی چشم، ولی مدرسه‌ای که شش ماه معلمان آن حقوق نگرفته‌اند، این تشریفات لازم را ندارد. گفتم تقصیر از شماست که نماینده فرهنگ [قاین] بوده و تا به حال اقدام نکردید. ایشان گفتند مستأجر اوقاف، مال‌الاجاره را نداده است. ناچار خودم به مستأجر مراجعه کردم، چون جواب‌های خوبی نمی‌داد، به‌وسیله مأمورین مربوط در ظرف ۲۴ ساعت بعضی از مال‌الاجاره‌ها را وصول کردم و حقوق معلمان را پرداخت نمودم» (راشد محصل، ۱۳۸۸: ۱۴۴-۱۴۵).

بنیان‌گذار اداره فرهنگ قاین

ادیب که به عنوان بنیان‌گذار اداره فرهنگ قاین از وی یاد می‌شود، با تعهد کاری و توانایی تدریس خود توانست از عهده‌ی بار سنگین معلمی، برآید. وی در سال ۱۳۱۵ [شمسی] عهده‌دار نمایندگی اداره فرهنگ قاین که ضمیمه مدرسه معرفت بود، گردید و بدین ترتیب اولین رئیس و در واقع بنیان‌گذار اداره فرهنگ قاین شد. وی با سعی و تلاش، در سال ۱۳۱۷ [شمسی] نمایندگی اداره فرهنگ قاین را از مدرسه معرفت جدا کرد (استاد محمد ادیب، ۱۳۸۲؛ رجبی، ۱۳۸۴: ۱۷۰؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۳۰۵؛ تاریخچه آموزش و پرورش ...، ۱۳۹۳؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۶۲). از این‌رو، اداره آموزش و پرورش قاین به پاس قدردانی از خدمات محمد ادیب در ترویج علم و فرهنگ این منطقه، در سال ۱۳۴۷ شمسی دبستان دخترانه‌ای به نام «دبستان ادیب^۱» تأسیس کرد. شهرداری قاین نیز در سال ۱۳۸۶ شمسی خیابانی را در غرب شهر قاین به نام ادیب نام‌گذاری کرد. این قدردانی‌ها هر چند دیرنگام و پس از مرگ ادیب، صورت پذیرفت، اما در جای خود، قابل تقدیر و ستایش است.

۱. این دبستان هم اکنون در کوچه‌ای در ابتدای میدان مبارزان قاین قرار دارد.

دریافت نشان علمی

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در زمان پهلوی اول به اندیشمندانی که خدمات ارزنده‌ای در راه ترویج علم و دانش، انجام می‌دادند، «نشان دانش» درجه یک، دو یا سه اعطاء می‌کرد. «ادیب در سال ۱۳۱۶ شمسی، از طرف وزارت اوقاف و صنایع مستظرفه آن زمان، به دریافت مدال درجه دو علمی نایل گردید (تصویر ۵). با وجود درخواست مکرر مقامات بالا، خدمت به زادگاهش را بر مقام بالاتر و هر جای دیگر ترجیح داد. روزی استاد فرزنان رئیس فرهنگ مکران، به‌اتفاق بازرس وزارت فرهنگ از مدرسه قاین بازدید نمودند. آقای فرزنان از شاگردی خواست تا درباره آن توضیح دهد. پس از توضیحات شاگرد و اظهارات آقای ادیب، بازرس وزارتخانه می‌گوید: شما باید در شهرهای بزرگ و در دانشکده ادبیات و الهیات تدریس می‌کردید. [به‌دنبالش] آقای فرزنان می‌فرماید: آقای ادیب از قاین بیرون نمی‌روند و الا شهره آفاق می‌شدند» (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۷۰؛ رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۳۰۴-۳۰۵؛ تاریخچه آموزش و پرورش ...، ۱۳۹۳؛ رجبی، ۱۳۹۸: ۲۳۵-۲۳۶).

شایان ذکر است که بنا بر استقصای نگارنده، در دوره پهلوی اول و دوم کسی به غیر از ادیب در اداره فرهنگ این منطقه (مکران و بیرجند) به کسب نشان علمی مفتخر نشده است که این خود گواهی بر دانایی و کمالات ادیب است.

بازنشستگی و وفات

ادیب در سال ۱۳۳۶ شمسی بازنشسته شد (تصویر ۶) و در سال ۱۳۳۹ شمسی جهت معالجه به مشهد عزیمت نمود و در مسافرخانه دربندعلی خان سکنی گزید، ولی متأسفانه معالجات پزشکان در روند بهبودی ایشان مؤثر واقع نگردید و سرانجام در ساعت یکم و نیم بامداد روز ۱۹ شهریورماه همان سال، دار فانی را بدرود گفت. سپس به سفارش اسدالله علم، از رجال سیاسی آن زمان، در صحن عتیق (انقلاب) حرم مطهر، در سمت شرقی قبر شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی مدفون گردید.^۱

۱. مصاحبه با محمدرضا ادیب، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۲/۷

یک از شاگردان ادیب به نام سیدجواد مصطفوی در زمان فوت استادش اشعاری در رثاء ایشان سروده است:

برون از زادگاه خود، یکی استاد دوران شد
ادیب مُلک قاین، پایه بگذار معارف را
به سال شصت و هفت^۱ از عمر، در ماه ربیع اول
دُر دریای قاین، دل به دلداری سپرد اکنون
جوادا مرگ استادت، تو را شد رخنه‌ای در دل
که وقت رفتنش، چشمان هر بیننده گریان شد
انیس و مونس شب‌ها، شهنشاہ خراسان شد
وطن بگزید و از بودن، در این قاین پشیمان شد
که قدر دُر همی داند، بهایش هم نمایان شد
سزد کر دیده خون باری، که قاین بیت‌احزان شد

نتیجه‌گیری

این نوشتار مروری بر زندگی علمی فردی است که برای کسب علم و دانش، پا را فراتر از موطن خود نگذاشت تا به آموزش فرزندان این منطقه بپردازد. محمد ادیب در تنها مرکز علمی آن زمان قاین، یعنی مدرسه علمیه جعفریه به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخت و مهم‌ترین دغدغه او تعلیم و تربیت نسل آینده‌ساز شهر قاین بود. وی تنها معلمی بود که هم در مدرسه طلاب و هم مدارس نوین قاین، به تدریس اشتغال داشت. ادیب سال‌ها برای تأسیس اداره فرهنگ قاین سعی و تلاش وافر نمود و سرانجام در سال ۱۳۱۵ شمسی نتیجه این کوشش‌ها به منصفه ظهور رسید. از این‌روست که از وی به‌عنوان بنیان‌گذار اداره فرهنگ قاین یاد می‌شود. هر جا که سخن از تعلیم و تربیت به سبک نوین می‌شود، از ادیب که چهار دوره متناوب مسئولیت اداره فرهنگ قاین را برعهده داشته است، به نیکی یاد می‌شود. وی علاوه بر علوم فارسی، بر زبان عربی نیز تسلط داشت و از خط خوشی نیز برخوردار بود و در سال ۱۳۱۶ شمسی به دریافت نشان درجه دو علمی از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه نایل شد و بنا بر استقصای نگارنده، در دوره پهلوی اول و دوم کسی به غیر از ادیب در اداره فرهنگ این منطقه (مکران و بیرجند) به کسب نشان علمی مفتخر نشده است که این خود گواهی بر دانایی و کمالات ادیب است.

۱. سن ادیب در زمان فوت به قمری (۱۳۱۳-۱۳۸۰ق)، ۶۷ سال بوده است.

منابع

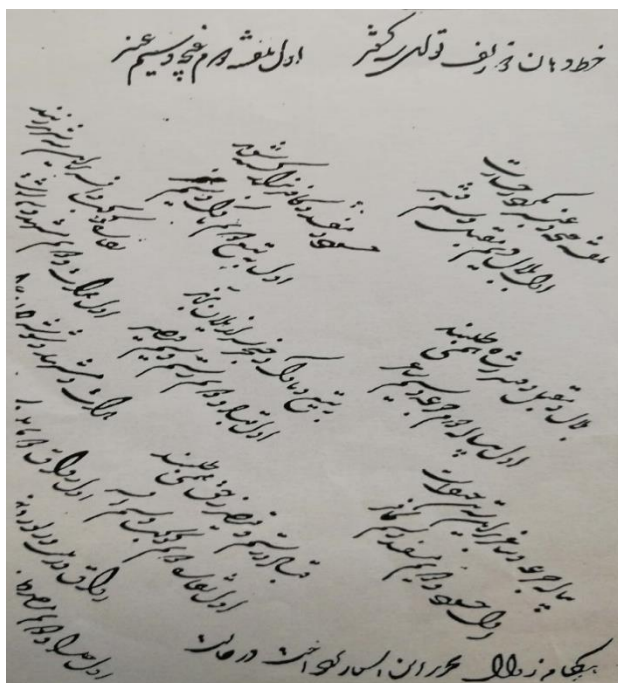
- آیت‌الله سیدحسن مصطفوی (۱۳۹۴). [پیوسته] قابل دسترس در:
<http://erfanvahekmat.com> [۱۳۹۸/۲/۹]
- استاد محمد ادیب؛ معروف به شیخ‌محمد مدیر (۱۳۸۲). آموزش و پرورش قاینات از آغاز تاکنون (ویژه‌نامه گرامی‌داشت روز معلم).
- تاریخچه آموزش و پرورش نوین قاین، داستان اولین دبستان قاین (۱۳۹۳). [پیوسته] قابل دسترس در: <http://www.tanineqayenat.ir/post/911> [۱۳۹۸/۲/۲۹]
- دکتر سیدکاظم للهی (۱۳۹۶). [پیوسته] قابل دسترس در:
<http://www.tanineqayenat.ir/post/12422> [۱۳۹۸/۲/۲۹]
- راشد محصل، محمدرضا (۱۳۸۲). جستاری در تاریخ، فرهنگ و آموزش نوین بیرجند. بیرجند: مدیریت میراث فرهنگی بیرجند؛ رزقی.
- _____ (۱۳۸۸). *از شوکتی تا دولتی: جستارهای فرهنگی درباره‌ی شرق ایران*. تهران: هیرمند.
- رجبی، نجیب‌ا... (۱۳۸۴). *تاریخ و جغرافیای شهرستان قاینات (توانمندی‌ها و استراتژی‌های توسعه)*. تهران: شهرآشوب.
- _____ (۱۳۹۵). "آموزش و پرورش قاینات صدساله شد". [پیوسته] قابل دسترس در:
<http://www.tanineqayenat.ir/post/7448> [۱۳۹۸/۲/۱۷]
- _____ (۱۳۹۸). *هویت‌های شهر قاین*. به اهتمام شهرداری و شورای اسلامی شهر قاین (دوره پنجم). قاین: اکبرزاده.
- رجبی، نجیب‌ا...؛ رجبی، میثم (۱۳۹۰). *تاریخ و مشاهیر قاینات*. تهران: شهرآشوب.
- فاضل قاینی نجفی، علی (۱۳۸۶). *ستارگان فروزان در شناخت علمای قاینات و قهستان*. قم: آل فاضل.
- گفت‌وگو با خانم فاطمه‌رباب مؤمنی، معلم سال‌های دور قاین (۱۳۹۴). گردآورنده شهاب قوی. [پیوسته] قابل دسترس در:
<http://tolueqaenat.ir/fa/1390-06-09-15-33-37/284> [۱۳۹۸/۲/۲۹]

- متولی حقیقی، یوسف (۱۳۸۴). تاریخچه آموزش و پرورش نوین خراسان از آغاز تا انقلاب اسلامی. مشهد: مرنديز.
- ناصح، محمدامین (۱۳۹۵). دولت یاد: تاریخ محلی بیرجند در آغاز سده معاصر (به روایت میرزا ذبیح‌الله ناصح). تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ناصح، محمدامین؛ میری، محمدرضا (۱۳۹۲). از شوکتیه تا دانشگاه بیرجند (۱۳۵۶-۱۳۸۶ ش.). با رویکردی به زمینه‌های استقرار آموزش نوین در ایران. تهران: فکر بکر.
- نقوی، سیدمحمدتقی (۱۳۸۶). "زندگی سیدمحمدتقی نقوی به قلم خودش". [پیوسته] قابل دسترس در:

<http://toluqaenat.blogfa.com/post/525> [۱۳۹۸/۲/۱۷]

مصاحبه‌ها

- ادیب، محمدرضا، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۲/۷
- مصطفوی، سیدجواد، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۲/۱۸
- مظلوم‌زاده، بی‌بی عصمت، تاریخ مصاحبه ۱۳۹۸/۳/۲۳



تصویر (۱) نمونه‌ای از دست‌خط محمد ادیب (استاد محمد ادیب، ۱۳۸۲)



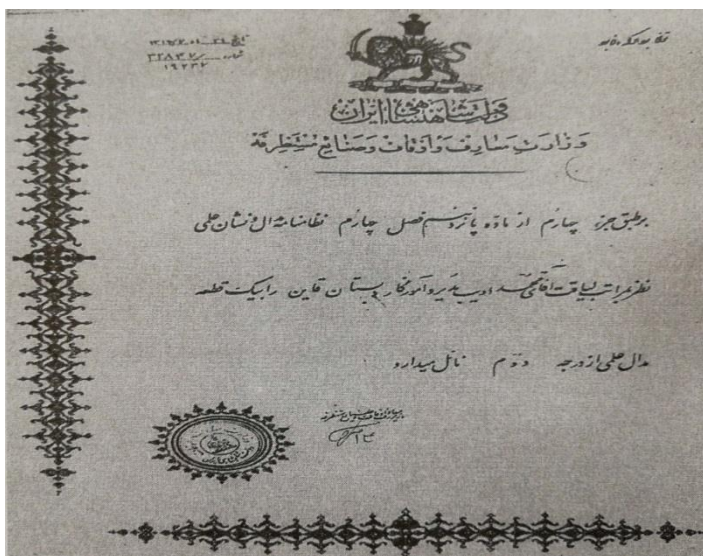
تصویر (۲) محمد ادیب حدود سال ۱۳۱۵ شمسی (استاد محمد ادیب، ۱۳۸۲)



تصویر ۳) اولین نفر نشسته از چپ محمد ادیب و جمعی از معلمان دبستان پهلوی قاین (تاریخچه آموزش و پرورش ...، ۱۳۹۳)



تصویر ۴) دبیرستان پهلوی قاین سال ۱۳۲۶ شمسی، نشسته از راست: علی اکبر فخر، محمد ادیب، علی شفیعی و محمدحسن پناهنده (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۱۹۶)



تصویر ۵) مدال علمی درجه دوم محمد ادیب (رجبی و رجبی، ۱۳۹۰: ۳۰۵)



تصویر ۶) محمد ادیب حدود سال ۱۳۳۶ شمسی

Muhammad Adib The Founder of Qayen's Culture Administration

Sayyed Noorollah Nasrollahi¹

Abstract

Education plays several key roles in any society; on the one hand it keeps the cultural heritage alive and transmits it on the other hand it can be an act of transformation. Education can be grounded in the selection and orientation of talents for the future. Given the pivotal role of education, those active in the field of education and in the realization of the functions of the educational system have a special place in the transmission and preservation of cultural heritage and social change. The next article is devoted to examining the role of one of the activists in the field of education, Mohammad Adib. As a teenager, he studied the usual Persian and Arabic literary sciences at Ja'fariyyah Seminary School, and with a keen sense of humor, put a cluster of knowledgeable scholars in the area at the forefront of his work. With her talent and talent, she began working with other teachers to lead the region's young generation at a time when knowledge and knowledge had not been universal. Adib, known as the founder of the Department of Culture in Qain, faced a major challenge during his tenure as demolitionist. He was one of the few to receive a second-class scientific award from the Ministry of Education, Endowments and the Industries. The fruit of years of literary education were educated intellectuals, each of whom had a name for himself. This study seeks to analyze Mohammad Adib's position in the Qain education system.

Keywords: Qain Education, Qain Culture Department, Mohammad Adib

¹. Faculty Member, University of Birjand; Email: nasrollahi@birjand.ac.ir